

مردمان‌ی صبور با سنت‌های دشوار

سفری کاغذی به ژاپن و مرور جذاب‌ترین نکات سبک زندگی مردم این کشور که آن‌ها را تبدیل به مردمانی خاص در دنیا کرده که نماد ایجاد تعادل بین سنت و مدرنیته هستند

سیدمصطفی صابری | روزنامه نگار

پرونده

هر وقت اسم ژاپن به گوش مان می‌رسد ذهن پرخی از ماسی‌رود سراغ سریال‌های خاطره‌انگیز دهه شصتی و شخصیت‌های معروفش مثل «اوشین» و «هانیکو». برای خیلی از ما ژاپن برابر است با پیشرفت، تلاش و کار. خیلی‌ها با شنیدن اسم این کشور یاد هموطنانی می‌افتیم که سال‌ها قبل برای کار به این کشور رفتند. خیلی‌ها ژاپن را با سینمای این کشور و آثاری مثل سری فیلم‌های «گودزیلا» و خیلی‌ها با انیمه‌های جذابش می‌شناسند. بعضی‌ها با لوازم خانگی و عده‌ای هم با پویانمایی‌هایی که روزگاری تمامی‌نداشت؛ از قصه‌های اروپایی مثل «پچه‌های مدرسه والت» تا چوبین و حتی «فوتبالیست‌ها»، همگی ژاپنی بودند. شاید خاطرات ما از ژاپن متفاوت باشد اما همه در یک چیز مشترک هستیم. ایرانی‌را پیدانمی‌کنید که در زندگی‌اش محصول فرهنگی یا فناوری ژاپن را استفاده نکرده باشد و به نوعی با این کشور حس بیگانگی داشته باشد. کشوری که مردمش را با تلاش زیاد و احترام به سنت‌ها می‌شناسیم و طی چند ماه اخیر هم سریال محبوب و جذاب «شوگان» با تأکید روی سنت‌های این کشور، عمیق‌تر از هر زمانی ژاپن را به ما معرفی کرد. درباره دلایل پیشرفت ژاپن، اقتصادش، حتی صنعت ساختمان‌سازی این کشور که سازه‌های معروف و ضدزلزله دارد زیاد گفته‌ایم و خوانده‌ایم اما این بار سفری متفاوت به دل این کشور خواهیم داشت. در دل آداب و رسوم مردمش، سفری به دل سبک زندگی روزمره ژاپنی‌ها.



استادان بلامنازع پول در آوردن

ژاپنی‌ها در حد خیلی از کشورهای دیگر جهان، به عنوان مردمانی که توجه ویژه‌ای به ظرفیت‌های گردشگری کشورشان دارند، نمی‌شناسیم. به دو دلیل، اول این که فکر می‌کنیم چون این کشور صنعت پیشرفته‌ای دارد نیازی به درآمد گردشگری ندارد، دواين که ما ایرانی‌ها که اصولاً اهل مسافرت‌های پرزرق و برق و استراحت زیاد حین سفر هستیم، سفرهایی از جنس مردم‌شناسی یا آشنایی با تاریخ و رسوم یک کشور را چندان سفر نمی‌دانیم به خصوص این که ژاپنی‌ها به رغم احترامی که برای گردشگران قائل هستند چندان خودشان و رسوم‌شان را برای خوشایند گردشگران خارجی تغییر نمی‌دهند و انتظار دارند کسی که برای آشنایی با فرهنگ‌شان به کشورشان سفر کرده مثل آن‌ها رفتار کند. براین اساس ما تصویری از تکنیک‌های ژاپنی‌ها برای پول در آوردن از گردشگری در ذهن مان

نداریم؛ در حالی که آن‌ها به شدت در این زمینه استاد هستند و از هر چیزی پول در می‌آورند. معابد قدیمی‌شان که کلی‌پله دارد بلیتی است، حضور گردشگران در مراسم آیینی و... حتی مراسم چای گران است و اساساً موسساتی هستند که این کار را ویژه گردشگران انجام می‌دهند. تصور کنید ما برای گلاب‌گیری یا پخت شله‌بلیت بفروشیم. حتی پارک‌های حفاظت شده‌ای که از گوزن‌ها مراقبت می‌شود هم بلیت‌فروشی دارد. روباه‌های غول‌پیکری که در شهرهای ژاپن قرار دارند هم همین‌طور. حتی در کنار هر کدام از این‌ها، کلی محصول جانبی فروخته می‌شود. شاید فکر کنید ژاپنی‌ها با تولید انیمه هم درآمدزایی می‌کنند هم فرهنگ‌شان را صادر و از کشورشان چهره مطلوبی می‌سازند. همه این‌ها در دست است اما فقط این‌ها نیست. ژاپنی‌ها حتی روی محله‌هایی که قصه انیمه‌ها

احترام می‌گذارم پس ژاپنی هستم

در سریال «شوگان» سکانسی هست که دو سامورایی مقابل هم قرار گرفتند. یکی از آن‌ها مانع از عبور بانو ماریکو شخصیت محبوب سریال می‌شود و دیگری که وفادار به ماریکو است دستور می‌گیرد تا او را از سراه بردارد. دو طرف به هم احترام می‌گذارند و بعد شروع به یک نبرد خونین می‌کنند. برای خیلی از ما که برای ابراز صمیمیت گاهی به رفیق یا بازیکن تیم خودی بدویراه کوچکی نثار می‌کنیم تماشای این که دو نفر قبل از مبارزه مرگ و زندگی به هم احترام بگذارند اتفاق عجیبی است. این سکانس شاید نمادی باشد از این رفتار ژاپنی‌ها نسبت به دیگران که هنوز آن چنان هم کمرنگ نشده است.

احترام بگذارید

دیالوگ معروف توسیکه سامورایی معروف پویانمایی «سفرهای مینی کومن» را یادتان هست که با آن صدای آلن دلونی‌اش می‌گفت: «این علامت مخصوص حاکم بزرگه، می‌دونین کی در مقابل شماست؟ مامور مخصوص حاکم بزرگ، میتی کومن، احترام بگذارید». ژاپنی‌ها چندان اهل بروز احساسات نیستند؛ در فرهنگ آن‌ها دست دادن، به آغوش کشیدن، ابراز علاقه... عجیب است. شاید برای همین که چندان اهل لمس کردن نیستند احترام ابراز رنگ کرده باشند و به شدت نسبت به بزرگ‌ترها، پیش‌کسوتان و قدیمی‌ترها در هر کاری، مربی، معلم، مشتری و ارباب رجوع احترام می‌گذارند.

در کل ببخشید

خب در کشوری که کار در آن اصالت زیادی دارد احترام به مشتری چیز عجیبی نیست اما این رفتار محدود به مشتری نمی‌شود. حتماً صحنه‌هایی از عذرخواهی مسئولان ژاپنی را دیده‌اید که نشان می‌دهد

صبور و آرامش محور مهم زندگی اجتماعی سامورایی‌ها

شاید به خاطر تماشای فیلم‌های کورهای و شباهت ظاهری‌شان با ژاپنی‌ها تصور کنید مردم ژاپن هم تند تند و بلند بلند صحبت می‌کنند؛ در حالی که ژاپنی‌ها اهل طمأنینه در رفتار و حتی صحبت هستند. بد نیست بدانید صبر و حوصله آن‌ها یک رفتار اجتماعی بر حسب تصادف نیست، در ژاپن طی سال‌ها و حتی قبل از تشکیل دولت‌های مدرن، آموزش اور یگامی در مدارس جزو برنامه‌های درسی بوده تا بچه‌ها صبر، حوصله و برنامه‌ریزی را یاد بگیرند و بداندن زندگی هم مثل اور یگامی نتیجه انتخاب‌های دقیق، کوچک و با حوصله است.

اور یگامی از تمرین زندگی تا ساختمان سازی



امروزه ساختمان‌های ضد زلزله ژاپنی که در دنیا معروف هستند هم با الهام از اور یگامی ساخته شده و زلزله‌های قدرتمندی را تحمل می‌کنند. صبر برابر زلزله اما برای روستایی‌ها جور دیگری است، چون خیلی از خانه‌های روستایی در ژاپن طوری طراحی می‌شود که به راحتی و با هزینه کم ساخته شود تا با زلزله فرو بریزد اما آوار کمی داشته باشد و خانه بعدی دوباره روی همان آوار ساخته می‌شود. ساختن‌های پیاپی که آن‌هم حوصله و آرامش می‌خواهد.

شلوغ‌ترین متروهای جهان

آن‌ها این صبر و حوصله را در زندگی اجتماعی به دفعات بروز می‌دهند. متروی توکیو یکی از ترسناک‌ترین متروهای جهان است. هر چند دیگر مثل گذشته خبری از آن ازدحام نیست اما هنوز هم سوار مترو شدن در کلان‌شهری مثل توکیو که فواصلش زیاد است صبر زیادی می‌خواهد. مردم ژاپن در حمام‌های عمومی که بیشتر نوعی استخر آب گرم با خواص درمانی است هم سکوت، آرامش و صبر را تمرین می‌کنند. در این حمام‌های عمومی خبری از شوخی، قهقهه، سروصدا، موسیقی و... نیست. به‌طور کلی ژاپنی‌ها اهل بلند صحبت کردن با هم نیستند و چه رسد به این که در جایی مثل استخر آب گرم برای آرامش دور هم



باشند. حتی زندگی در خانه‌های کپسولی معروف ژاپنی، به‌ویژه در کلان‌شهری مثل توکیو هم صبر می‌خواهد، هم آرامش. صبر برای تحمل شرایط زندگی در خانه‌ای که اندازه یک تخت است. آرامش برای آن که بعد از تحمل این شرایط، حین کار، رانندگی و... کم‌نیآوری و تلافی خانه کوچک‌تر ا سربقیه در نیآوری.

شهرهایی بدون سطل زباله

در بسیاری از شهرهای ژاپن به‌ویژه توکیو، سطل زباله‌ای نمی‌بینید و در عین حال کسی هم در خیابان‌ها آشغال نمی‌ریزد، بلکه زباله را در طول روز با خودش این طرف آن طرف می‌برد تا شب که به خانه رسید با حوصله تفکیک‌ش کند و تحویل بدهد. خب این ماجرا صبر نمی‌خواهد. مراسم چای هم که در این کشور برگزار می‌شود جلوه دیگری از صبر ژاپنی‌هاست. مراسمی که طی آن قرار است یک فنجان کوچک چای صرف شود اما کلی آداب و رسوم دارد. این مراسم یکی از سنگرهای مهم حفظ فرهنگ ژاپنی برابر فرهنگ غربی است و حفظ آن برای مردم این کشور خیلی مهم است. برای همین حتی اگر لازم هم نشود اما باز هم تمام دختران جوان به سیاق قدیم باید این مراسم را یاد بگیرند. این مراسم هم مثل اور یگامی نمادی از علاقه ژاپنی‌ها به جزئیات، طمأنینه، هماهنگی و البته آرامش است.

کشوری که برای هر کاری

یک اصطلاح دارند



در هر کشور و زبانی در دنیا برای رفتارهای مختلف کلمات و اصطلاحاتی وجود دارد اما در ژاپن داستان کمی متفاوت است؛ آن‌ها اصطلاحات زیادی دارند که پشت خیلی از آن‌ها فلسفه‌های جدی و دقیقی از گذشته وجود دارد. چیزی شبیه ضرب‌المثل‌های ما که قرار است یک مفهوم را به سرعت بیان کنند. با این تفاوت که این اصطلاحات در ژاپن مورد اتفاق تمام جامعه است و جنبه اجباری قدرتمندی هم دارد. به‌طور مثال «ایکیگای» یعنی ضرورت پیدا کردن بهانه‌ای که هر روز به‌خاطرش بیدار شوید. «کایزن» روی این که باید به جزئیات توجه ویژه‌ای داشته باشیم تأکید دارد. «سوسیشن» می‌گوید روز هزارم کارت نباید فرقی با روز اول داشته باشد. «وابی سابی» هم درباره این است که هیچ چیز کامل نیست. باید زیبایی را در نقص دید، نواقص را پذیرفت و از کامل نبودن لذت برد، چون فرصتی برای رشد است، به‌شرط آن که قدر هر لحظه از زندگی را برای بهتر شدن بدانیم. برخی از این مفاهیم ژاپنی زیباشناسانه هستند و برخی مثل «واشوکو» اشاره به اهمیت عادت‌های غذایی سالم دارند. خیلی از مفاهیم هم آن چنان عمیق و پیچیده نیستند و اشاره به اتفاقات ساده زندگی و رسم‌های قدیمی دارند. به‌طور مثال «هانا می» رسمی برای تماشای شکوفه‌های معروف گیلاس است. «کوکوبومی» رفتاری است که طی آن باید بحث فعلی را در گفت‌وگو با دیگران به‌شکلی استادانه عوض کرد. «هونه» یعنی جنبه خصوصی هر فرد که دیگران نباید در آن سرک بکشند و «تاتما» جنبه عمومی زندگی یک فرد است. «سیرا» هم نوعی نشستن مودبانه است که در ظاهر رفتاری عادی است اما پشتش کلی دقت و ظرافت است. به‌طور کلی در ژاپن نوع در زدن، حتی استفاده از «چاپستیک» (چوب‌های غذا)، سوغاتی آوردن، لباس پوشیدن، خوش‌آمدگویی و... معانی متفاوت و قلقی‌هایی دارد.

